

بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضاهای عمومی بر میزان تحقق حق به شهر (نمونه موردی: کاشان)

امیر حسینیان راد^۱، محمد مولائی قلیچی^۲

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

فضاهای عمومی مهم‌ترین بخش شهرها هستند، چراکه بیشترین برخوردها و کنش‌های متقابل میان افراد در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد و شامل تمامی بخش‌هایی هستند که مردم به آن‌ها دسترسی فیزیکی و بصری دارند. در سال‌های اخیر هم‌زمان با ازدست رفتن کارایی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر، بحران‌های شهری با مطالبات شهروندی رخ نشان می‌دهند و از «حق به شهر» سخن می‌رود. حق به شهر ابزار مفهومی مناسبی را برای نقد وضع موجود شهرها فراهم می‌آورد. تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضاهای عمومی بر میزان تحقق حق به شهر انجام شد. این مطالعه، توصیفی-تحلیلی و به روش پیمایش انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین متغیر میزان مطلوبیت فضاهای عمومی و متغیرهای سه‌گانه حق به شهر یعنی اختصاص‌دهی به شهر، سرزندگی فضاهای شهری و مشارکت، در سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار و مستقیمی برقرار است. بدین معنی که از دیدگاه شهروندان با افزایش سرزندگی فضاهای شهری به میزان مطلوبیت فضاهای عمومی افزوده می‌شود و با افزایش مشارکت شهروندان به همان میزان می‌توان انتظار داشت که مطلوبیت فضاهای عمومی از دیدگاه شهروندان افزایش یابد و با افزایش رضایت شهروندان از اختصاص‌دهی مطلوب فضاهای شهری میزان تحقق حق به شهر نیز افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: مطلوبیت فضای شهر، فضاهای عمومی شهر، میادین شهری، حق به شهر.

۱. استادیار، گروه جغرافیا دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

۲. استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(m.molaei@ihcs.ac.ir) نویسنده مسئول

Investigating The Effect of Desirability of Urban Space Indices on The Realization of The Right to City (Case Study: Kashan)

Public spaces are an essential part of cities because more interactions between people occur an important part of cities because of more interactions between people, which is compatible with parts to that people have physical and visual access..In recent years, urban chaos has been evident in all its aspects, with the loss of economic, political, cultural, and social structures efficiency. The urban crisis manifests in claims of citizenship, and more and more people talk about the Right to the City. This approach provides an appropriate conceptual tool to criticize the status quo of today's cities. In addition, to achieve an ideal situation, we can extract wealthy and creative ideas from the "Right to the City" concept. In other words, the "Right to the City" is both the issue of the current city (present city) and the issue of the ideal city (a city that should be). This study aims to investigate the urban space indices on the realization of the right to the city in Kashan. According to the nature of the variables, the research method is descriptive-analytical and was conducted by a survey. The study's findings showed a significant and direct relationship between the variable of the desirability level of in public spaces. Also, the three variables of the right to the city, i.e., allocation to the city, the vitality of urban spaces and participation, are at a significance level of less than 0.05. From the citizens' point of view, by increasing the vitality of urban spaces, the desirability of public spaces increases. Also by increasing the participation of citizens, it can be expected that the desirability of public spaces will increase from the perspective of citizens, and by increasing citizens' satisfaction with the optimal allocation of spaces city, the amount of realization of the right to the city will also increase.

Keywords: desirability of city space, public spaces of the city, urban squares, right to the city

مقدمه

قدمت شهرنشینی بیش از پنج هزار سال است. بر اساس آمار جهانی تا ابتدای قرن بیست از هر هشت نفر تنها یک نفر در مناطق شهری ساکن بوده‌اند، اما در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد از جمعیت دنیا در نواحی شهری زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۵۰ به ۶۶ درصد افزایش یابد (لی^۱، ۲۰۲۰، ص ۱). به عبارت دیگر ما در عصر شهرنشینی سیاره‌ای زندگی می‌کنیم (برنر و اشمید^۲، ۲۰۱۱) و برخی از مشکلاتی که امروز شهرها با آن روبه‌رو هستند در تاریخ شهرنشینی بی‌سابقه است. به عقیده لوفور همه تجربیات اجتماعی شهروندان از طریق فضا و در فضا تشکیل می‌شود. بنابراین در فضاهای شهری و به خصوص فضاهای عمومی شهری است که تجربه زندگی روزمره ساکنان شهر به عنوان شهروندان پدیدار می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۹۵، ص ۵۲).

فضای عمومی یکی از عناصر اساسی شهرها برای تأمین نیازهای روزمره عموم مردم است. برای یک فضای عمومی ایدئال، «دسترسی»، «محیط و امکانات»، «استفاده عمومی» و «جامعه‌پذیری» چهار شرط لازم برای دستیابی به آن است (ما^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). تخصیص بخش مهمی از شهر به فضاهای عمومی، مسئله‌ای اساسی است که از دیرباز برنامه ریزان شهری به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. لذا در برهه‌ای مورد بی‌توجهی قرار گرفت، اما در عصر حاضر طراحی موفقیت‌آمیز فضای عمومی معمولاً در رأس دستور کار برنامه‌ریزی شهری شهرهای جهانی قرار دارد (ما و همکاران، ۲۰۲۱) و توجه به فضاهای عمومی شهری، به عنوان یک اصل فراموش شده و بااهمیت در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهری حکایت از بازتولید چنین فضاهایی در ارتقای جنبه‌های اجتماعی شهر دارد (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

از نظر جغرافی‌دانان اجتماعی، فضاهای عمومی برای تأمین تجربه‌ها و رفتارهای انسان توان بالقوه‌ای دارد که از آن به عنوان قابلیت محیط شهری یاد می‌شود (یزدائف و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸) و این فضاها به عنوان مکان‌هایی برای خلق و ارتقای روابط اجتماعی، تعاملات و توقفگاه‌های شهری تعریف می‌شود که به تماس اجتماعی منجر شده است (نسبی، ۱۳۸۵، ص ۳۳) و شهروندان می‌توانند در قالب این فضاها در زندگی

1. Li

2. Brenner & Schmid

3. Ma

اجتماعی مشارکت کنند و شهر خود به صورت یکپارچه و یک‌دست نشان می‌دهد. همچنان که لوفور^۱ شهر یا مرکز شهر را به عنوان فضاهای عمومی در فضای دگرگون‌شونده، محلی می‌داند که در آن بستری برای واقعه‌ها، حوادث و فستیوال‌های شهری فراهم می‌شود که ضرب‌آهنگ زندگی شهری را دگرگون می‌کند. به عقیده وی فستیوال شهری اگر بخواهد از فضای انتزاعی زندگی روزمره فراتر بود، باید تغییر شکل یابد و این تغییر شکل از طریق دو حق فضایی عمومیت‌یافته یعنی حق در قبال شهر و حق در قبال تفاوت^۲ ایجاد می‌شود (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴، ص ۱۲). حق به شهر در این نگاه عبارت از دسترسی عادلانه تمام شهروندان در استفاده از فضاهای شهری است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۹۶)، اما مکرر بحث شده است که چالش در حال حاضر برای شهروندان این است که دستیابی به حقوق به شهر اندکی پیچیده شده، زیرا از یک سو مدیران شهری با تمایل به بازآفرینی شهری، به طور فعال بخش خصوصی را گسترش می‌دهند (بارت^۳، ۲۰۱۹، ص ۲). این امر به کالایی شدن عمیق تر فضاهای شهری (هاروی^۴، ۲۰۰۸؛ لوگان و مولوت، ۱۹۸۷) و به از بین رفتن فضاهای عمومی در دسترس مردم برای استفاده رایگان آن‌ها منجر می‌شود. همان‌طور که میچل^۵ (۲۰۰۳) تأکید می‌کند فضاهای عمومی به مکان‌هایی تبدیل شده‌اند که برای فروش کالا یا گردشگری یا شیوه زندگی طراحی شده‌اند و دیگر برای همه موارد استفاده باز نیست. از سوی دیگر، مطالعات نشان می‌دهد برای اکثریت شهروندان، کیفیت محیط شهری از دیگر عناصر کالبدی اهمیت بیشتری دارد علت این امر استفاده مستمر شهروندان از فضاهای عمومی شهر است (کارمونا^۶، ۲۰۰۸) و کیفیت این فضاها تأثیر زیادی در زندگی روزمره آن‌ها ایفا می‌کند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۰۶)، به طوری که فضاهای عمومی همچون میدانی شهری اگر کیفیت لازم را نداشته باشند و صرفاً به عنوان گره‌های ترافیکی به کار روند می‌تواند به جای برقراری تماس اجتماعی به جامعه‌گریزی افراد منجر شود (کنور، ۲۰۱۴).

با نگاهی اجمالی به نظام سنتی شهرهای ایران و سلسله‌مراتب خاص موجود در آن‌ها، شاید بتوان ادعا کرد که در فرهنگ سنتی خود، با میدان‌های شهری مواجه شده‌ایم

1. Lefebvre
2. the right to the city and the right to difference
3. Barrett
4. Harvey
5. Mitchell
6. Carmona

که عمومی‌ترین و محبوب‌ترین فضاهای شهر را تشکیل می‌دادند. درواقع فضاهای شهری مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی بود. درواقع این فضاهای عمومی رسالت افزایش ثبات اجتماعی در بستر تعاملات و روابط اجتماعی را بر عهده دارند که می‌تواند بستری برای توسعه و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی نیز باشد. با فروپاشی تدریجی نظام سنتی، نظام فضایی شهرهای ما نیز تغییر کرد و فضاهای جدید جایگزین فضاهای قبلی شدند، تنها چیزی که در طرح آن‌ها ذکر نشده بود حضور انسان و مفاهیم عمیق نهفته در فضای شهری است که کم‌کم باعث زوال اجتماعی در شهرهای ما شده است. این در حالی است که هر جامعه متمدنی برای زندگی عمومی خود به مراکزی نیاز دارد (مانند میادین شهر)، جایی که مردم بتوانند به دیدن همدیگر بروند و توسط آن‌ها دیده شوند (علیخانی، ۱۳۹۲). مسئله فوق در بافت‌های تاریخی به دلیل ویژگی‌های خاص آن، نمود بیشتری دارد، زیرا فضاهایی که به تدریج و در فرایندی پیوسته برای انسان ایجاد شد، اکنون و به یک‌باره تحت تسلط خودرو قرار گرفت (مظفر و راست‌بین، ۱۳۹۰).

شارع‌پور (۱۳۹۵) در مطالعه حق شهر و فضاهای عمومی شهری نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر شاهد خصوصی شدن فضاهای عمومی شهری هستیم؛ بدین معنا که طی سال‌های اخیر در نتیجه برخی تغییرات اقتصادی-اجتماعی، هم تولید فضا و هم کنترل فضا به دست بخش خصوصی افتاده است. مواجهه با فضا به عنوان یک کالا سبب خصوصی شدن این فضاهای عمومی شده است. با توجه به ماهیت چندبعدی چالش‌های پیش روی شهرها، مدیریت خردمندانه فضاهای عمومی شهری مستلزم توجه به چهار بُعد به هم مرتبط است: تنظیم کاربری‌ها و مدیریت تعارض بین نحوه استفاده‌های مختلف از فضاهای عمومی، تعریف و اجرای نحوه حفظ و نگهداری این فضاها، سرمایه‌گذاری در فضاهای عمومی، و درنهایت هماهنگ‌سازی مداخلات بخش‌های مختلف در فضاهای عمومی.

خدایاری مطلق و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر در بابل‌سر، به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های مشارکت در شهر، اختصاص‌دهی و شاخص‌های مطلوبیت فضای شهر، بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر وابسته میزان تحقق حق به شهر داشتند.

شاهینی و همکاران (۱۳۹۸) در تحلیل نقش کالبد معماری در ارتقای زندگی جمعی در میدان بهارستان، نشان دادند که رابطه معناداری بین انعطاف‌پذیری، امکانات،

تنوع کاربری و زندگی جمعی در میدان بهارستان وجود ندارد، ولی متغیر تجمع‌پذیری و تعیین فضایی تأثیر مثبت بر متغیر زندگی جمعی در میدان بهارستان می‌گذارد.

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸) تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی در شهر ارومیه دادند که رابطه معنی‌داری بین شاخص‌های متغیرهای مستقل حق به شهر با متغیر وابسته عدالت جنسیتی و اختلاف معنی‌داری در بهره‌مندی زنان و مردان از حق به شهر وجود دارد.

خراسانی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقایسه تطبیقی میزان مطلوبیت کیفیت فضاهای عمومی شهری در منطقه ۱ و ۶ شهر اصفهان به این نتیجه دست یافتند که میزان امنیت فضای شهری در گروه جنس مذکر و مؤنث برابر است و هرچه سطح تحصیلات بیشتر باشد میزان رضایت از مبلمان شهری کم‌تر است.

زارع شاه‌آبادی و غلامی (۱۳۹۹) در بررسی رابطه حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد به این نتیجه رسیدند که حق به شهر و احساس امنیت در بین شهروندان یزدی از حد متوسط پایین‌تر بوده و بین حق به شهر و احساس امنیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین ناحیه شهری، نوع مسکن و حق به شهر نیز رابطه معناداری وجود دارد.

ابرقویی فرد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضای جمعی، مفهومی روبه‌زوال ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان» به این نتیجه دست یافتند که بازار مرکزی شهر بنابر نقش اقتصادی و ویژگی‌هایی چون تنوع عملکردی و دسترسی‌پذیری، همچنان دارای اثرگذاری اجتماعی است. اما فضای مرکز محلات به دلیل تغییرات تدریجی بافت طی صد سال اخیر از جمله همگام نشدن با روند توسعه، ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره ساکنان و تحول ساختار جمعیتی نقش اجتماعی خود را از دست داده‌اند. محدود ماندن اقدامات مدیریتی به تمهیدات سخت‌افزاری و کالبدی نیز به این روند دامن زده است و تنها استمرار وجه معنایی فضای جمعی مرکز محلات با تمرکز بر کارکرد آیینی آن‌ها، تداوم حیات اجتماعی را به شکل خاطره‌ای برجا مانده از گذشته هرچند به شکل دوره‌ای و مناسبی میسر ساخته است.

حیدری و همکاران (۱۳۹۹) در تحلیل اثربخشی اجتماعی توسعه فضاهای عمومی در بافت مرکزی شهرهای ایران با مطالعه پیاده‌راه سبزه‌میدان شهر زنجان به این نتیجه

رسیدند که این پروژه در مرحله گذار قرار دارد و هنوز به درجه نهایی از کیفیت، رضایت و مطلوبیت اجتماعی نرسیده است. باوجوداین، توانایی تحولات مثبت و عمیق در اثربخشی اجتماعی در آینده را دارد و می‌تواند روند کنونی تحولات اجتماعی را با اجرای فازهای بعدی پروژه در آینده شهر زنجان مؤثرتر کند.

بر اساس پیشینه تحقیق، تفاوت تحقیق حاضر با سایر تحقیقات انجام گرفته ازجمله زارع شاه‌آبادی و غلامی (۱۳۹۹)، ابرقویی فرد و همکاران (۱۳۹۹)، حیدری و همکاران (۱۳۹۹)، شاهینی و همکاران (۱۳۹۸)، پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸)، خراسانی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، خدایاری مطلق و همکاران (۱۳۹۶) شارع‌پور (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی منسجم بر روی مطلوبیت فضاهای عمومی شهر کاشان در بافت تاریخی از لحاظ حق به شهر انجام نشده است و در این تحقیق پژوهشگران به مطالعه میدادین بافت تاریخی شهر پرداخته‌اند. تحقیق حاضر در پی آن است که با ارزیابی مطلوبیت فضاهای عمومی یعنی میدادین شهری، تأثیر آن بر تحقق حق به شهر در کاشان را موردبررسی قرار دهد.

مبانی نظری

فضا در طول تاریخ همواره موردتوجه اندیشمندان شاخه‌های مختلف علم بوده و آنچه ماهیت آن است همواره دغدغه فکری اندیشمندان بوده و تعریف آن به دوران باستان بازمی‌گردد (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). فضا یک منبع محدود است، نمی‌توان آن را تکثیر یا گسترش داد و این محدودیت فضا در شهر چالش‌برانگیزتر است (الزین^۱، ۲۰۱۹، ص ۱۵). فضاهای عمومی برای عملکرد و کیفیت زندگی شهرها و مناطق شهری ضروری است. این فضاها زیرساخت‌های عمومی و خصوصی را فراهم می‌کنند مانند جاده‌ها، سیستم‌های فاضلاب، پارک‌ها، شبکه‌های انرژی، شبکه‌های مخابراتی و غیره. فضاهای عمومی در کنار این عملکرد فنی، برای عملکردهای اجتماعی نیز استفاده می‌شوند (ون ملیک^۲، ۲۰۰۸). در نتیجه فضای عمومی باکیفیت مطلوب به سلامت، اقتصاد، انسجام اجتماعی، رفاه و تنوع زیستی کمک می‌کند (سازمان ملل، ۲۰۱۷). فضای عمومی سرمایه

1. Elzain

2. Van Melik

مهمی است که نه تنها به توجه حرفه‌ای، بلکه به توجه علمی نیز نیاز دارد (دیون وردون^۱، ۲۰۲۰، ص ۱) فضاهای عمومی از این جهت مهم هستند که مکان‌هایی هستند که غریبه‌ها آزادانه در آن جمع می‌شوند. آن‌ها همچنین به‌طور مستمر در مورد مرزها و نشانه‌های جامعه انسانی بحث می‌کنند (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۳).

در چارچوب هدف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد فضای عمومی شایسته توجه کامل است: «تا سال ۲۰۳۰، دسترسی جهانی به فضاهای عمومی، امن و فراگیر، به‌ویژه برای زنان و کودکان، افراد مسن و افراد دارای معلولیت» را فراهم کنید. این به همه کشورهای جهان تا سال ۲۰۳۰ بستر قانونی و وظیفه توسعه و مدیریت فضای عمومی از طریق یک رویکرد یکپارچه را می‌دهد (سازمان ملل، ۲۰۱۷).

هانری لوفور در کتاب اصلی خود تولید فضا اظهار می‌دارد که هر سازمان اجتماعی در نتیجه روابط اجتماعی فضاهای فیزیکی خاصی را شکل می‌دهد. بنابراین، این سازمان‌های اجتماعی نیز خود را در آن فضاهای فیزیکی خلق می‌کنند (لوفور، ۱۹۹۶). در این مرحله، لوفور تفاوت بین فضای اجتماعی و انتزاعی را ارائه می‌دهد: فضای اجتماعی جایی است که تجربیات زندگی روزمره هر یک از اعضای جامعه اتفاق می‌افتد. برعکس، فضای انتزاعی، فضای سلسله‌مراتبی سیاستمداران، سرمایه‌داران و برنامه‌ریزانی است که سعی در کنترل فضای اجتماعی زندگی روزمره دارند. توسط قدرت، اقتدار و سرمایه تجزیه، همگن و کالایی می‌شود (گاتدنر^۲، ۱۹۹۳). لوفور با پیوند دادن تولید فضای انتزاعی با ظهور نظام سرمایه‌داری، تبدیل «ارزش استفاده» ناشی از وقوع زندگی روزمره مردم در فضای اجتماعی، به «ارزش مبادله‌ای» برای سیاستمداران، برنامه‌ریزان و سرمایه‌گذاران را ارائه داده است. نزدیک شدن به فضا به عنوان کالایی که می‌تواند با توجه به پویایی بازار معامله شود و شکل بگیرد (لوفور^۳، ۱۹۹۶). حال می‌توان این سؤال را مطرح کرد: آیا می‌توان به حق شهر به عنوان راه‌حلی برای مشکلات موجود در فضای شهری ناشی از پروژه‌های بازآفرینی شهری و هژمونی فضای انتزاعی بر فضای اجتماعی فکر کرد؟ ایده حق به شهر که در سال ۱۹۶۸ توسط هنری لوفور پیشنهاد شد، بر «نیاز به بازسازی روابط قدرت زمینه‌ساز تولید فضای شهری تأکید دارد، و اساساً

1. Duivenvoorden
2. Gottdiener
3. Lefèbvre

کنترل خود را از پایتخت و دولت و به سمت ساکنان شهر تغییر می‌دهد» (پورسل، ۲۰۰۲). از نظر لوفور، تولید فضای شهری همچنین به معنای «بازتولید روابط اجتماعی است که در آن محدود است» (پورسل، ۲۰۰۲). به همین دلیل، این کار به چیزی بیش از برنامه‌ریزی فضای فیزیکی نیاز دارد. «این شامل تولید و خلق همه جنبه‌های زندگی شهری است» (پورسل، ۲۰۰۲). حق بر شهر شامل دو حقوق اساسی برای ساکنان شهری است: حق کار (مشارکت) و حق تصاحب. حق مشارکت ادعا می‌کند که ساکنان شهر باید نقشی اساسی در تمام تصمیمات مؤثر در تولید زندگی شهری داشته باشند. حق تصاحب حق دسترسی فیزیکی، حضور و استفاده است که می‌تواند به عنوان وجود فیزیکی ساکنان در فضای شهری خلاصه شود (پورسل^۱، ۲۰۰۲).

ایده لوفور در مورد حق شهر منبع الهام بخشیدن به مبارزات مربوط به دسترسی به فضای عمومی شهری و حقوق شهروندی در بسیاری از کشورهای جهان بوده است. مطالعات دانشگاهی انجام شده در این زمینه بر مفهوم جدیدی از شهروندی تأکید دارد و موضوعات مختلفی را در رابطه با مواردی مانند استفاده از فضاهای عمومی، قابلیت دسترسی در فضای شهری، دسترسی به آب، مهاجرت، سلطه مردان، بی‌خانمانی، جهانی‌سازی، بازآفرینی شهری، عدالت اجتماعی و شهروندی شهری (برنامه اسکان بشر ملل متحد، ۲۰۱۰). در نتیجه این مشکلات، منشورها و اعلامیه‌های مختلفی در مورد تأمین حقوق بشر در شهرها از طریق بحث‌ها، جلسات و گردهمایی‌های چندین سازمان غیردولتی، گروه‌های حقوق بشر و دولت‌های محلی در مناطق بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی تشکیل شده است (شهرهای متحد و دولت‌های محلی، ۲۰۱۲).

مهم‌ترین نقش این منشورها و اعلامیه‌ها امکان ایجاد چارچوبی راهنما در موضوع حقوق بشر در شهر در طی روند سیاست‌گذاری شهری است. وجود چنین چارچوبی امکان تبدیل مفاهیم مربوط به حقوق بشر را به دستگاه‌هایی دارد که می‌توانند در سطح محلی در شکل‌گیری تصمیم‌گیری و سازوکارهای تولید سیاست استفاده شوند. تعریف معنای حقوق در زندگی روزمره ساکنان شهری؛ ایجاد مکانیزم‌های کنترل تضمین این که واحدهای مدیریتی در سطوح مختلف مطابق با حقوق بشر عمل می‌کنند و اطمینان از انطباق قوانین محلی با تعهدات بین‌المللی و ملی حقوق بشر. ایجاد چنین چارچوبی قانونی مبتنی بر حق بر شهر گامی مهم در جهت ایجاد زندگی شهری دموکراتیک و برابر است که همه ساکنان را

قادر می‌سازد تا مطالبات و حقوق خود را بیان کنند. البته ایجاد چنین چارچوبی که حمایت و تأمین حقوق بشر در سیاست‌گذاری شهری را تضمین کند، تنها با مشارکت ساکنان شهری امکان‌پذیر است (زی بکوگلو^۱، ۲۰۲۰). بنابراین می‌توانیم بگوییم مفهوم اصلی حق به شهر در منشور جهانی این گونه تعریف شده است که «دسترسی برابر همگان به منافع شهر با توجه به دو اصل پایداری و عدالت اجتماعی»، با تأکید بر این نکته که حق به شهر باید به عنوان حق جمعی تمام ساکنان شهر شناخته شود؛ به خصوص کسانی که آسیب‌پذیرند و نادیده انگاشته می‌شوند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

حق به شهر یعنی این که هرکسی بدون تبعیض جنسی، نژادی، قومی، سنی، جهت‌گیری‌های سیاسی و مذهبی، هویت و شخصیت فرهنگی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی، حق به استفاده، تصرف و تولید شهر و فضاهای آن را دارد. حق به شهر معتقد است که شهر از نظر فرهنگی غنی و دارای فضاهای متنوع فرهنگی است، بنابراین به همه ساکنان شهر تعلق دارد. حق به شهر درواقع یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری می‌شود. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معناست که هر انسانی، صرف‌نظر از ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. به بیانی دیگر، افرادی که در شهر زندگی می‌کنند، نسبت به آن حق دارند. حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد. چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه (رهبری و شارع‌پور، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰). حق شهرنشینی مستلزم حق حاشیه‌نشین نبودن در تصمیم‌گیری درباره فضای شهری است. حق شهرنشینی با هدایت شدن شهرنشینان به سمت بحث‌های سیاسی یا فرایندهای تصمیم‌گیری خاص و بی‌توجهی به دیگر بحث‌ها و فرایندها، منافات دارد. همچنین این حق مبتنی بر برابری همه شهرنشینان در دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری است و تفاوت‌های افراد و گروه‌ها را مبنای تبعیض و حذف نمی‌انگارد. دخالت در تصمیم‌گیری نیز از طریق مشارکت در جامعه مدنی صورت می‌پذیرد. در این معنا ساکنان شهر مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری درمورد فضای شهر هستند و حق «شهرنشینی» نسبت به حق شهروندی نقش بیشتری را در تصمیم‌گیری امور شهری برای شهرنشینان قائل است (عظیمی‌هاشمی و رضوی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۷).

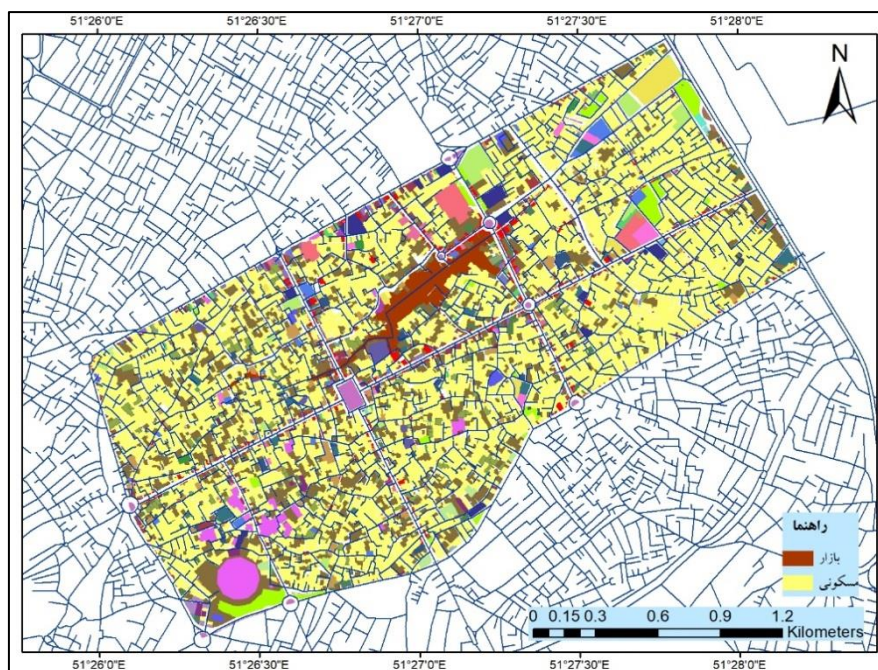
روش

روش تحقیق در مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به صورت اسنادی و پیمایشی است. با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، نوع تحقیق کاربردی است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی مقالات و مجلات داخلی صورت گرفته و در بخش مطالعات میدانی نیز از پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته (طرح لیکرت) در قالب سؤالات تخصصی بهره برده شده است. قلمرو مورد مطالعه ۴۸۵,۵ هکتار از بافت تاریخی شهر کاشان است و جامعه آماری تحقیق، تعداد ۴۴۵۵۲ نفر مردم ساکن در بافت قدیم شهر کاشان هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای آن‌ها تکمیل شد. در تحقیق حاضر برای بررسی کیفی فضاهای عمومی، میداین شهری انتخاب شده‌اند. میداین شهری بافت تاریخی کاشان از سه بُعد و ۱۵ متغیر شامل بُعد تجمع (امکان جمع شدن شهروندان، جذب فعالیت‌های مختلف، تأکید بر مرکزیت، احساس تعلق فرد و تشویق به توقف)، بُعد سکون (تشویق به مکث کردن، فراهم آمدن امکان حرکت، ایجاد آرامش ذهنی در شهروند، امکان برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران، فرصت برای درک فضا) و بُعد یکپارچگی (پیوستگی در عناصر کالبدی، پیوستگی فضایی، پیوستگی فعالیتی، امکان ایجاد تصویر ذهنی از کل فضا، برقراری ارتباط انسان و فضا) مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی میزان تحقق متغیر حق به شهر از سه بعد اختصاص‌دهی به شهر (سهم فیزیکی، کنترل و مالکیت)، مشارکت (سازمان‌دهی شهری و تصمیم‌گیری) و سرزندگی فضاهای شهری (ارتباطات شهری، تفریح و امنیت) استفاده شده است. پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای، ابتدا میداین بافت تاریخی شناسایی شده است. جهت روایی شاخص‌ها از روایی صوری بهره گرفته شده است و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق به این صورت است که بعد از گردآوری پرسش‌نامه‌های مربوطه، داده‌ها و اطلاعات پرسش‌نامه‌ها وارد نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. شده و سپس برای شناسایی ارتباط بین متغیرها و تحلیل آن‌ها از آزمون هم‌بستگی استفاده شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

بافت تاریخی کاشان مانند هر بافت قدیمی شامل عناصر عمده مهم و فضاهایی شهری

متمرکزی مانند میدانچه‌ها، حسینیه‌ها، مساجد و بازارچه و یا آب‌انبار بودند. مراکز محله‌ای اغلب به صورت مجموعه‌ای از بناها دیده می‌شدند. علاوه بر نمود کالبدی، بستر وقوع تعاملات اجتماعی بوده‌اند که در حال حاضر اغلب در مقیاس محلات عمل می‌کنند. البته گفتنی است که محلات بافت تاریخی کاشان به عنوان مجموعه‌هایی وسیع‌تر نسبت به واحدهای همسایگی، دیگر شکل و محتوای سابق خود را دارا نیستند. هرچند نام‌های قدیمی محلات حفظ شده اما عملاً سازمان آن‌ها درهم‌ریخته و درجهایی که می‌توان مراکز محلات قدیمی را به همان سیاق گذشته دید، عملکرد و اهمیت قبلی خود را ندارند. با این حال هنوز هم مراکز محلات با حفظ معابر گذرگاهی خود و عناصر باارزش تاریخی خدماتی، قابلیت‌ها و امکاناتی در درون بافت فراهم می‌آورند که می‌توان بر آن‌ها تکیه کرد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴).



شکل ۱ بافت تاریخی کاشان

از نمونه میادین شاخص بافت تاریخی می‌توان به میدان سنگ اشاره کرد که در سازمان فضایی محدوده مطالعه اهمیت زیادی دارد. میدان سنگ (فیض) به عنوان یک

میدان تاریخی و بازارش از ویژگی‌های معماری خاصی برخوردار است. صرف‌نظر از بدنه هماهنگ و همساز آن که با ریتم خاص سامان یافته، وسعت و هماهنگی این میدان با بازار و بناهای مثل مسجد میرعماد که آن را به صورت دل‌نشینی در این فضاها درآورده و از طرف دیگر به وسیله خیابان‌های جدید به بخش جدید شهر اتصال یافته است. متأسفانه دخالت در بدنه این میدان و درخت‌کاری و کیوسک ناهماهنگ وسط میدان از زیبایی آن کاسته است. به غیر از این گره، سایر مراکز و فضاهای متمرکز بافت تاریخی در سلسله مراتب نقش پایین تر و در مقیاس ساختار محلات عمل می‌کنند (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹).

در محله پشت مشهد پایین محدوده تاریخی میدان گاه آقا و آب‌انبار نیز از جمله گره‌های شهری ماندگار در این بخش از بافت تاریخی کاشان است. محله پشت مشهد بالا: از مهم‌ترین گره‌های سازمان فضایی محله می‌توان به میدان پانزده خرداد، دروازه دولت و امام خمینی در ضلع شمال و غرب محله اشاره کرد. این گره‌ها نیز علاوه بر نقش ورودی‌های شاخص محدوده به عنوان عامل پیوستگی محدوده به سازمان فضایی کل بافت تاریخی هستند. فضاهای شهری و گره‌هایی در امتداد این محورها قرار دارند که اگرچه در حال حاضر در سطح سازمان فضایی محله عمل نمی‌کنند، اما فرصت خوبی هستند برای گسترش تعاملات اجتماعی در محله. علاوه بر آن گره‌هایی در مجاورت بناهای تاریخی مانند حبیب موسی و مسجدالنبی، نقش‌انگیزی بالایی ایجاد می‌کنند. از گره‌های قابل بررسی در سازمان فضایی محله پشت مشهد بالا می‌توان به تقاطع بلوار نماز با امتداد خیابان افضل اشاره کرد. بازار: گره‌های خوانا و بازارشی چون میدان دروازه دولت، امام خمینی، پانزده خرداد، کمال‌الملک از عناصر شاخص سازمان فضایی محله هستند که پیوند حوزه را با سازمان فضایی کل محدوده تاریخی برقرار می‌سازد. میدان سنگ (فیض) از میادین بسیار قدیمی و هویت‌مند بافت است که مفصل ارتباطی بازار با بافت مسکونی و به عنوان یک گره شاخص در ساختار فضایی محله جای گرفته است که از لحاظ اهمیت و تشخیص در سلسله مراتب شهری جای می‌گیرد. همچنین زیارت پنجه شاه، درب زنجیر و آب‌انبار از دیگر گره‌های این محله است (اشنویی نوش‌آبادی، ۱۳۹۷). محله طاهر و منصور: مسجد کهنه، مسجد باباولی، امامزاده طاهر منصور، محدوده میدان کهنه و محدوده ولی سلطان و مسجد باباولی، میدان ولی سلطان، زیارت گلچقانه، مسجد کرسی، درب اصفهان و سلطان میر احمد: حسینیه سوریجان، زیارت چهل دختران،

آب‌انبار گریچه، مسجد آقابزرگ، آب‌انبار خان، حسینیه سرفره، امامزاده سلطان میر احمد، میدان قاضی اسدالله، خرمشهر، گره ارزشمند کمال‌الملک و میدان امام جواد از مهم‌ترین و شاخص‌ترین گره‌های اطراف حوزه هستند که نقاط مفصل برای ارتباط حوزه و حفظ یکپارچگی آن با سازمان فضایی کل بافت تاریخی در سلسله‌مراتب بالاتر محسوب می‌شود.

محله محتشم: مسجد درب یلان، مقبره محتشم، آب‌انبار و مسجد سر پله، مسجد درب پلان، چهارطاقی و فضای سبز، زیارت میرنشانه.

یافته‌ها

نتایج حاصل از پرسش‌نامه درباره متغیر کیفیت میدان‌ها شهری در سه بُعد در جدول ۱ آمده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص جذب فعالیت‌های مختلف کم‌ترین میزان امتیاز را دریافت کرده است (۱,۵) و شاخص فراهم آمدن امکان حرکت (۳,۰۸) و امکان ایجاد تصویر ذهنی از کل فضا (۳,۰۱) بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱ ابعاد متغیر فضاهاى عمومى شهرى و مؤلفه‌هاى آن

بُعد تجمع	میانگین	بُعد سکون	میانگین	بعد یکپارچگی	میانگین
امکان جمع شدن شهروندان	۲,۱۵	تشویق به مکث کردن	۲,۷	پیوستگی در عناصر کالبدی	۲,۶۹
جذب فعالیت‌های مختلف	۱,۵	فراهم آمدن امکان حرکت	۳,۰۸		
ایجاد آرامش ذهنی در شهروند			۲,۹۸	پیوستگی فضایی	۲,۹۸
تأکید بر مرکزیت	۲,۷	امکان برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران	۲,۵۸	پیوستگی فعالیتی	۲,۹۳
احساس تعلق فرد	۲,۶۷	فرصت برای درک فضا	۲,۳۹	امکان ایجاد تصویر ذهنی از کل فضا	۳,۰۱
تشویق به توقف	۲,۷	برقراری ارتباط انسان و فضا	۲,۴۱		

جدول ۲ میانگین مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیر حق به شهر					
میانگین	گویه	مؤلفه	میانگین	گویه	مؤلفه
۳,۱۲	میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری خوب است.	تصمیم‌گیری	۲,۷۲	تا چه حدی حقوق شهروندان در این منطقه به‌خوبی رعایت می‌شود؟	حق به شهر
۲,۹۷	تصمیم‌گیری‌های عمومی شهری با مشارکت شهروندان صورت می‌گیرد.		۳,۲۴	تا چه حدی حقوق شهروندان در اقشار مختلف به یک اندازه پاس داشته می‌شود؟	
۲,۶۱	در میان تصمیم‌گیرندگان شهری نمایندگان از بیشتر اقشار شهروندان وجود دارد.		۳	تا چه حدی، حق افرادی با موقعیت اجتماعی شما در منطقه پابمال می‌شود؟	
۲,۳۴	منطقه شما بیشتر مناسب سواره‌ها ساخته شده است تا پیاده‌ها.	سازمان‌دهی	۲,۹۲	چقدر فضاهای فرهنگی و تفریحی که برای سن و سال‌های شما ساخته شده باشند، کم است؟	سهم فیزیکی
۲,۷۲	شکل فضاهای عمومی مانند گذرگاه‌ها، مکان‌های تفریحی و محله‌های شهر رضایت‌بخش است.		۲,۷۹	تا چه حدی در فضاهای عمومی منطقه، برای هر گروه جایی در نظر گرفته شده است؟	
۲,۹۲	دخالت مردم در طراحی فضای زندگی‌شان گسترده است.		۳,۴۸	تا چه حد افرادی مثل شما به‌راحتی از فضاهای عمومی منطقه استفاده می‌کنند؟	
۲,۸۵	رسیدگی مسئولان به خیابان‌ها بیشتر از پیاده‌روهاست.		۳,۰۴	تا چه حدی نظر شما، در ساخت‌وسازها و تغییراتی که در منطقه شما ایجاد می‌شود، تأثیر دارد؟	کنترل و مالکیت
۳,۲۳	تا چه میزان به‌راحتی به فضاهای بیرون از خانه دسترسی دارید؟	ارتباط	۳,۱۰	تا چه حد مالکیت یا اجاره مسکن در منطقه شما دشوار است؟	
۲,۹۸	تا چه حد مسافرت‌های درون‌شهری در این منطقه آسان است؟		۳,۲۱	تا چه حدی مردم کنترلی بر ساخت‌وسازها و تصمیمات مربوط به فضای شهری دارند؟	
۳,۲۰	تا چه میزان حمل‌ونقل عمومی در این منطقه وضعیت خوبی دارد؟		۳,۲۶	در این منطقه تا چه حد پارک‌ها فضاهای امنی هستند؟	امنیت

ادامه جدول ۲

میانگین	گویه	مؤلفه	میانگین	گویه	مؤلفه
۲,۶۸	تا چه حدی معمولاً نمی توان روی وسایل نقلیه شهری در این منطقه حساب کرد؟	تفریح	۳,۱۳	تا چه حدی در بیشتر خیابان ها و کوچه های این منطقه احساس امنیت (اعتماد) می کنید؟	تا چه حدی در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری این منطقه احساس امنیت جسمی (ضرب و شتم، آسیب بدنی و غیره) می کنید؟
۲,۸۴	تا چه حد فضاهای تفریح و سرگرمی در این منطقه عادلانه توزیع شده اند؟		۲,۹۴	تا چه حد در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری این منطقه احساس امنیت روانی (ترس، دلهره، وحشت و غیره) می کنید؟	
۳,۳۲	تا چه حد این منطقه شادی بخش و سرگرم کننده است؟		۲,۹۱	تا چه حد در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری این منطقه احساس امنیت روانی (ترس، دلهره، وحشت و غیره) می کنید؟	
۳,۴۷	تا چه میزان تفریحات شهری از دسترسی برخی گروه ها خارج است؟		۳,۰۹	تا چه حد در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری این منطقه احساس امنیت مالی (کلاهبرداری، سرقت مالی و غیره) می کنید؟	
۳,۵۵	تا چه حدی در این منطقه اسباب و وسایل سرگرمی برای همه اقشار به یکسان وجود دارد؟		۳,۱۹	تا چه حدی در برخی ساعات روز وقتی به تنهایی در بیرون از خانه هستید، احساس ترس دارید؟	

جدول ۳ میانگین گویه های مؤلفه های تحقیق را نشان می دهد.

جدول ۳ میانگین ابعاد متغیر حق به شهر

بعد اختصاص دهی شهر به خود	میانگین	بعد مشارکت	میانگین	سرزندگی فضاهای شهری	میانگین
سهم فیزیکی	۳,۰۶	تصمیم گیری	۲,۹	ارتباطات شهری	۳,۰۲
کنترل و مالکیت	۳,۱۱	سازمان دهی	۲,۷	تفریح	۳,۲
				امنیت	۳,۰۸

مطابق جدول فوق بیشترین میانگین متغیر در بین ابعاد حق به شهر، بُعد کنترل و مالکیت (۳,۱۱) و کم‌ترین میزان مربوط به بُعد سازمان‌دهی (۲,۷) است.

جدول ۴ رابطه میان مدت اقامت شهروندان در محله و میزان تحقق حق به شهر

تحقق حق به شهر مدت اقامت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کم‌تر از یک سال	۱	۴	۴	۲۲	۱۷	۴۸
۲-۵ سال	۶	۸	۱۰	۲۰	۱۱	۵۵
۶-۱۰ سال	۸	۳	۲۱	۳۵	۹	۷۶
۱۱-۱۵ سال	۱۶	۳۹	۳۹	۲۶	۹	۱۲۹
بیشتر از ۱۶ سال	۴	۱۷	۳۴	۱۱	۱۰	۷۶
جمع	۳۵	۷۱	۱۰۸	۱۱۴	۵۶	۳۸۴۴
آزمون هم‌بستگی	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری	تعداد			
مدت اقامت تحقق حق به شهر	-۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	۳۸۴			

نتایج جدول ۴ ارتباط میان مدت اقامت شهروندان و میزان تحقق حق به شهر از دیدگاه آنان را نشان می‌دهد. ۴۸ نفر از پاسخ‌گویان کم‌تر از یک سال، ۵۵ نفر بین دو تا پنج سال، ۷۶ نفر بین شش تا ده سال، ۱۲۹ نفر بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۷۶ نفر بیشتر از ۱۶ سال در این محل اقامت دارند. ۱۷ نفر از افرادی که کم‌تر از یک سال اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را خیلی زیاد تلقی می‌کنند. ۲۰ نفر از افرادی که بین ۲ تا ۵ سال اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را زیاد تلقی می‌کنند. ۳۵ نفر از افرادی که ۶ تا ۱۰ سال اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را زیاد تلقی می‌کنند. ۳۹ نفر از افرادی که ۱۱ تا ۱۵ سال اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را کم تلقی می‌کنند. ۳۴ نفر از افرادی که بیشتر از ۱۶ سال اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را به میزان متوسط تلقی می‌کنند. نتایج آزمون هم‌بستگی نشان می‌دهد که میان دو متغیر مدت اقامت در محله و میزان تحقق حق به شهر ارتباط معنی‌دار و معکوس وجود دارد. بدین معنی که کسانی که مدت کم‌تری را در محله اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را مطلوب‌تر ارزیابی می‌کنند.

جدول ۵ رابطه میان منطقه سکونت شهروندان و میزان تحقق حق به شهر

تحقق حق به شهر منطقه اقامت خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد جمع					
بافت حاشیه‌ای شهر	۱۳	۱۴	۳۶	۳۱	۱۶
مناطق مرکزی شهر	۷	۲۳	۳۰	۳۸	۱۹
مناطق بالای شهر	۱۵	۳۴	۴۲	۴۴	۲۱
جمع	۳۵	۷۱	۱۰۸	۱۱۳	۵۶
آزمون واریانس	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	میزان f	سطح معنی داری
بین گروهی	۲,۴۸۹	۲	۱,۲۴۴		
درون گروهی	۵۲۷,۰۸۸	۳۸۰	۱,۳۸۷	۰/۸۹۷	۰/۴۰۹
کل	۵۲۹,۵۷۷	۳۸۲			

از نظر منطقه محل سکونت ۱۱۰ نفر از پاسخ گویان در مناطق محروم شهری، ۱۱۷ نفر در مناطق متوسط شهری و ۱۵۶ نفر در مناطق مرفه شهری سکونت دارند. تعداد ۳۶ نفر از افرادی که در مناطق محروم اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را به میزان متوسط و تعداد ۱۳ نفر به میزان خیلی کم ارزیابی می کنند. تعداد ۳۸ نفر از افرادی که در مناطق متوسط اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را به میزان زیاد و تعداد ۲۳ نفر به میزان کم ارزیابی می کنند. تعداد ۴۴ نفر از افرادی که در مناطق مرفه اقامت دارند میزان تحقق حق به شهر را به میزان زیاد و تعداد ۴۲ نفر به میزان متوسط ارزیابی می کنند.

جدول ۶ رابطه میان میزان سواد شهروندان و میزان تحقق حق به شهر

تحقق حق به شهر سواد خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد جمع					
ابتدایی	۲	۶	۷	۸	۸
سیکل	۱	۶	۱۰	۱۱	۷
دیپلم	۹	۱۸	۳۶	۳۸	۱۷
کاردانی	۳	۱۳	۱۴	۲۲	۷
لیسانس	۱۴	۲۷	۳۵	۳۰	۱۶
ارشد و بالاتر	۶	۱	۶	۵	۱
جمع	۳۵	۷۱	۱۰۸	۱۱۴	۵۶
آزمون واریانس	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	میزان f	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۹,۰۳۳	۴	۴,۷۵۸		
درون گروهی	۶۷۷,۸۳۹	۳۷۹	۱,۷۸۸	۲/۲۶۶	۰/۰۳۲
کل	۶۹۶,۸۷۲	۳۸۳			

نتایج آزمون واریانس نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری تفاوت معنی‌داری میان منطقه محل سکونت و میزان تحقق حق به شهر وجود ندارد.

از نظر سطح سواد ۳۱ نفر از پاسخ‌گویان در سطح ابتدایی، ۳۵ نفر سیکل، ۱۱۸ نفر دیپلم، ۵۹ نفر کاردانی، ۱۲۲ نفر لیسانس و ۱۹ نفر ارشد و بالاتر تحصیل کرده‌اند. تعداد ۸ نفر از پاسخ‌گویان با تحصیلات ابتدایی معتقدند که میزان تحقق حق به شهر در سطح خیلی زیاد است. تعداد ۱۱ نفر از پاسخ‌گویان با تحصیلات سیکل معتقدند که میزان تحقق حق به شهر در سطح زیاد و تعداد ۱ نفر خیلی کم است. تعداد ۳۸ نفر از پاسخ‌گویان با تحصیلات دیپلم معتقدند که میزان تحقق حق به شهر در سطح زیاد و تعداد ۹ نفر خیلی کم است. تعداد ۳۵ نفر از پاسخ‌گویان با تحصیلات کاردانی معتقدند که میزان تحقق حق به شهر در سطح متوسط است. تعداد ۶ نفر از پاسخ‌گویان با تحصیلات ارشد میزان تحقق حق به شهر را در سطح خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

نتایج آزمون واریانس بیانگر آن است که تفاوت معنی‌داری میان سطح سواد پاسخ‌گویان و میزان تحقق حق به شهر وجود دارد.

در جدول ۷ ارتباط میان مؤلفه‌های هفت گانه تحقیق با متغیر حق به شهر مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون هم‌بستگی میان متغیر حق به شهر و مؤلفه‌ها با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بیانگر ارتباط مستقیم و معنی‌دار است.

جدول ۷ ارتباط میان مؤلفه‌های متغیرهای اختصاص‌دهی به شهر، سرزندگی فضاهای شهری و مشارکت با میزان تحقق حق به شهر

مطلوبیت فضاهای عمومی	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
اختصاص‌دهی به شهر	۰/۴۹۹	۰/۰۰۰
کنترل و مالکیت	۰/۳۶۵	۰/۰۰۰
سرزندگی فضاهای شهری	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰
امنیت	۰/۲۰۰	۰/۰۰۰
ارتباطات شهری	۰/۱۶۲	۰/۰۰۱
مشارکت	۰/۱۲۲	۰/۰۰۸
تصمیم‌گیری	۰/۰۶۹	۰/۰۰۹

با توجه به این که مؤلفه‌های تحقیق با متغیر مطلوبیت فضاهای عمومی ارتباط مستقیم و معنی‌داری دارند بنابراین به موضوع ارتباط میان متغیرهای تحقیق و متغیر حق به شهر

می‌پردازیم. برای بررسی ارتباط این متغیرها از آزمون هم‌بستگی استفاده می‌کنیم. خروجی آزمون در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸ ارتباط میان متغیرهای اختصاص‌دهی به شهر، سرزندگی فضاهای شهری و مشارکت با میزان تحقق حق به شهر

مطلوبیت فضاهای عمومی	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
اختصاص‌دهی به شهر	۰/۴۹۳	۰/۰۰۰
سرزندگی فضاهای شهری	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰
مشارکت	۰/۱۰۹	۰/۰۱۶

نتایج آزمون هم‌بستگی میان متغیر میزان مطلوبیت فضاهای عمومی و متغیرهای سه‌گانه حق به شهر یعنی اختصاص‌دهی به شهر، سرزندگی فضاهای شهری و مشارکت نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰/۰۵ درصد می‌توان گفت میان متغیرها رابطه معنی‌دار و مستقیمی برقرار است. بدین معنی که از دیدگاه شهروندان با افزایش سرزندگی فضاهای شهری به میزان مطلوبیت فضاهای عمومی افزوده می‌شود و با افزایش مشارکت شهروندان به همان میزان می‌توانیم انتظار داشته باشیم که مطلوبیت فضاهای عمومی از دیدگاه شهروندان افزایش یابد و با افزایش رضایت شهروندان از اختصاص‌دهی مطلوب فضاهای شهری میزان تحقق حق به شهر نیز افزایش یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

استفاده از فضاهای عمومی بخش مهمی از زندگی روزمره است و فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌های ملاقات برای مردم عمل می‌کنند. زمانی که از فضای عمومی در شهرها و ارتباط آن با جامعه مدنی صحبت می‌کنیم، دو نوع مفهوم از فضا در ذهن آدمی شکل می‌گیرد. نخست فضای عمومی در معنای فیزیکی آن است که شامل پارک‌ها، خیابان‌ها، میادین، بازارها و دیگر مکان‌های عمومی می‌شود. دوم درواقع فضایی ذهنی است که به میزان آزادی‌های سیاسی و فضای موجود برای شکل‌گیری تشکلهای مدنی و مستقل از دولت برمی‌گردد. علی‌رغم ارتباط متقابلی که این دو در شکل‌گیری جامعه مدنی دارند، در مقاله حاضر، منظور از فضای عمومی، فضا در معنای نخست آن است. تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضاهای عمومی بر میزان تحقق حق به شهر انجام شد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین متغیر میزان مطلوبیت فضاهای عمومی و متغیرهای سه‌گانه حق به شهر یعنی اختصاص دهی به شهر، سرزندگی فضاهای شهری و مشارکت، در سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار و مستقیمی برقرار است. بدین معنی که از دیدگاه شهروندان با افزایش سرزندگی فضاهای شهری به میزان مطلوبیت فضاهای عمومی افزوده می‌شود و با افزایش مشارکت شهروندان به همان میزان می‌توان انتظار داشت که مطلوبیت فضاهای عمومی از دیدگاه شهروندان افزایش یابد و با افزایش رضایت شهروندان از اختصاص دهی مطلوب فضاهای شهری میزان تحقق حق به شهر نیز افزایش یابد.

حضور مداوم در هر محیط شهری، رفتارهای محیطی شهروندان را شکل می‌دهد. ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر مبنای خاطره‌های شخصی، قضاوت، زیبایی‌شناسی و خاطره‌های جمعی، حوادث تاریخی و چارچوب فرهنگی ارزش‌ها ایجاد می‌کند. از این‌رو شهروندان هم به فضاهای شهری شکل می‌دهند و هم در محیط‌های شهری شکل می‌گیرند. افزایش کیفیت فضاهای شهری و طراحی مناسب فضای شهری شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح شهر فراهم سازد و شهروندان در این فضاها حضور یابند. در نتیجه سرزندگی و نشاط ناشی از حضور شهروندان در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه و احساس هویت شهروندی و مکانی مؤثر خواهد بود. بنابراین مطلوبیت فضای شهری عاملی مهم در حیات اجتماعی شهرها پنداشته می‌شود که باید بدان توجه شود.

منابع

- ابرقویی فرد، ح.، برومند، ه.، طایفه حسینلو، ا.، لطیفی، س.م.، نبی، س.ی.، و نیکزاد، غ. (۱۳۹۹). فضای جمعی، مفهومی روبه‌زوال ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان. هنر و تمدن شرق، ۸(۲۸)، ۲۳-۳۲.
- اشرفی، ی.، پوراحمد، ا.، رهنمایی، م.ت. و رفیعیان، م. (۱۳۹۳). مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۴، ۴۳۵-۴۶۴.
- اشنویی نوش‌آبادی، ا. (۱۳۹۷). جایگاه گره شهری در پایداری اجتماعی نمونه موردی بافت‌های تاریخی کاشان. رساله دکتری دانشگاه تهران.
- پوراحمد، ا.، کلانتری، م.، فرهودی، ر.، و اشنویی، ا. (۱۳۹۴). سنجش پایداری محیط مسکونی در بافت‌های تاریخی شهری، نمونه موردی شهر بیابانی کاشان. کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۱، ۷۱-۱۰۰.
- پورمحمدی، م.ر.، روستایی، ش.، و خضرزاد، پ. (۱۳۹۸). تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی. نمونه موردی: شهر ارومیه. زن و جامعه، ۴۰، ۱۹۵-۲۲۱.
- جلال‌ا.، لیتکوهی، س.، و اقبال، س.ع. (۱۳۹۹). ارزیابی کیفیت فضای شهری به اساس شاخص‌های لینچی،

- نمونه موردی (میدان دهمزنگ الی میدان دهبوری شهر کابل). فصلنامه علمی تحقیقی شهرسازی و مهندسی افغانستان، ۱، (سپتامبر ۲۰۲۰)، ۳۷-۲۸.
- حبیبی، م.، و امیری، م. (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه که هست و آنچه که باید باشد. نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۲، ۳۰-۹.
- حیدری، م.ت.، احدنژاد روشتی، م.، محرمی، س.، و رحمانی، م. (۱۳۹۹). تحلیلی بر اثربخشی اجتماعی توسعه فضاهای عمومی در بافت مرکزی شهرهای ایران (مطالعه موردی: پیاده راه سبز میدان شهر زنجان). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۸(۲)، ۴۴۳-۴۱۵.
- خدایاری مطلق، ص.، شارع‌پور، م.، و تولایی، ن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر (مورد مطالعه: شهر بابلسر). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۹)، ۱۸۹-۲۲۵.
- خراسانی‌زاده، ف.، صابری، ح.، مؤمنی، م.، و موسوی، م.ن. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی میزان مطلوبیت کیفیت فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی منطقه ۱ و ۶ شهر اصفهان). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۴)، ۴۷۸-۴۶۵.
- رفعیان، م.، و سیفایی، م. (۱۳۸۴). به کارگیری و خلق فضاهای عمومی، بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا، ۲۳، ۴۲-۳۵.
- رهبری، ل.، و شارع‌پور، م. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. جامعه‌شناسی ایران، ۱، ۱۴۱-۱۱۶.
- زارع شاه‌آبادی، ا.، بنیاد، ل.، و غلامی، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰(۳۹)، ۱۲۴-۱۰۹.
- ستارزاده، د.، نقی‌زاده، م.، و حبیب، ف. (۱۳۸۹). فضای شهری اندیشه‌ای اجتماعی. نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۴، ۱۷۳-۱۸۳.
- شارع‌پور، م. (۱۳۹۵). حق شهر و فضاهای عمومی شهری. مطالعات مردم‌شناختی، ۲(۱)، ۵۱-۶۶.
- شارع‌پور، م.، تولایی، ن.، و اسلامی، ا. (۱۳۹۸). ارزیابی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه جوانان (مطالعه موردی: شهر قائم‌شهر، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۳، ۶۰۵-۶۲۱).
- شاهینی، آ.، جاویدنژاد، م.، و نقشینه، ر. (۱۳۹۸). نقش کالبد معماری در ارتقای زندگی جمعی در فضاهای عمومی (نمونه موردی: میدان بهارستان). مطالعات مدیریت شهری، ۱۱(۴۰)، ۴۳-۵۶.
- عظیمی‌هاشمی، م.، و رضوی‌زاده، ن. (۱۳۸۹). حق شهروندی و فضای شهری. دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ایران.
- علیخانی، م.، و علیخانی، م. (۱۳۹۲). از گره‌های سنتی تا پاتوق‌های شهری امروزی، لزوم شهر شهروندگرا. همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد، مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- مظفر، ف.، مسعود، م.، و راست‌بین، س. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیرات کیفیت‌های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: محله جلفای اصفهان). نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی، ۴، ۲۹-۴۶.
- مهندسین مشاور باغ اندیشه. (۱۳۸۹). گزارش شناخت بافت تاریخی شهر کاشان. کارفرما شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.

نسبی، ف. (۱۳۸۵). مسکن کوچک در مقیاس محله، دفتر مطالعاتی مبانی برنامه‌ریزی و طراحی محیط مسکونی، گروه مطالعات مسکن و توسعه شهری، انتشارات شرکت سرمایه‌گذاری تهران. یزدانفر، س.ع.، حسینی، س.ب.، و زرودی، م. (۱۳۹۲). کیفیت فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان). مدیریت شهری و روستایی، ۱۱ (۳۲)، ۷-۲۲.

- Barrett, E. J. (2019). Defining Their Right to the City: Perspectives from Lower-Income Youth. *Urban Affairs Review*. doi:10.1177/1078087419892081
- Brenner, N., & Schmid, C. (2011). Planetary Urbanization. in M. Gandy (ed.) *Urban Constellations* (pp: 10-13). Berlin: Jovis
- Carmona et al., (2008). Carmona, M. Magalhaes, S. Hammond L. (2008). *Public space, the management dimension*. Routledge, Taylor and Francis Group, London and New York.
- Duivenvoorden, E., Hartmann, T., Brinkhuijsen, M., & Hesselmanns, T. (2020) Managing public space – A blind spot of urban planning and design. *Cities*, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103032>
- Elzain, R. Consultative Hubs for Democracy within Neighborhoods in Muscat Alternatives for Urban and Social Development Strategies. *Derivative Works*, 180.
- Gottdiener, M. (1993). A Marx for Our Time: Henri Lefèbvre and The Production of Space, *Sociological Theory*, 11,1.
- Harvey, D.)2008). *The Right to the City*. Accessed November 15, 2019.
- Knorr, L. (2014). *Youth and Cities Planning with Low-Income Youth and Urban Youth Cultures in New York City and Paris*, Massachusetts Institute of Technology.
- Lefèbvre, H. (1996). *The Production of Space*. Blackwell Publishers, Oxford, UK
- Li, Ch.-L. (2020). Quality of life: The perspective of urban park recreation in three Asian cities. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 29, 1-10.
- Logan, J. R., Molotch, H. L.)1987). *Urban Fortunes: The Political Economy of Place*. Berkeley: Univ. of California Press.
- Ma, K. W., Mak, C. M., & Wong, H. M. (2021) Effects of environmental sound quality on soundscape preference in a public urban space. *Applied Acoustics*, 171, 107570.
- Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: Guilford Press.
- Purcell, M. (2002) Excavating Lefèbvre : The Right to the City and its Urban Politics of the Inhabitant, *Geojournal*, 58, 99-108.
- UN Habitat. (2017). *Global public space programme*. Nairobi: UN-Habitat.
- UN-HABITAT, ISSC, UNESCO (2010). *Discussion Paper Urban Policies and the Right to the City*. Retrieved on 15.11.2010. <http://hicmena.org/documents/UN%20Habitat%20discussion.pdf>
- United Cities and Local Governments (2012). *European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City*, Retrieved on 12 April 2019.
- Van Melik, R. (2008). Changing public space: The recent redevelopment of Dutch city squares (p. 373). *Nederlandse geografische studies*.
- Zeybekoglu, S. (2020). City, Urban Transformation and the Right to the City. *Journal of contemporary urban affairs*, 4(1), 1-10.